

۴/۱۰/۲۰۰۹ م

نوشتۀ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

کی جی بی در افغانستان



پانزدهمین و آخرین قسمت

سر مشاوریت نظامی، کارشناسان وزارت دفاع و ستردرستیز قوای مسلح از نظر عملیاتی و اوپراتیفی همه در حیطة توجه ضد استخباراتی گروه «ک.ر.» قرار داشتند. اشارات زیادی در مورد تماس گیری ها در خارج از ساعات کار توسط مشاورین نظامی با افغانان و تلاش های افغانان برای برقراری روابط نزدیک و صمیمی با مشاورین روسی و خوشگذرانی با آنها به گروه مذکور می رسید. اینکه برخی از کارمندان نظامی تحت تاثیر سبوتاژ ایدئولوژیک قرار گرفته به رادیو «بویچه ویله» صدای آلمان و صدای امریکا گوش می دادند و نظرات ساخاروف^۱ و همفکرانش را تایید می کردند نیز از چشم گروه «ک.ر.» دور نمانده بود.

چکیست ها (فعالین کی جی بی) هیچگاه آرام و قرار نداشتند. در نامه هایی که به دفتر مرکزی خود در مورد تهدیدهای موهومی که از جانب کشورهای غربی و جمهوری مردم چین متوجه اتحاد شوروی بود می نوشتند افسار خیال پردازی را یله می کردند. آنها می نوشتند که دشمنان همکاری بینابینی خود در ارتباط افغانستان را تشنید و تقویه نموده، اعمال تخریب کارانه خود در برابر اتحاد شوروی را هماهنگ می سازند، حکومت کشورهای اسلامی را در معرض تبلیغات خصمانه قرار داده کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به نیروهای سالم هنگری، چکسلواکیا و افغانستان را تجاوز می خوانند، و در مورد مسئله افغانستان غوغا و هیاهو راه انداخته اهداف و اصول همکاری افغان شوروی را مسخ شده جلوه می دهند. [برینجا سه سطر کشیده شده است] آنها می نوشتند که صندوق وجهی برای افغانستان که در ایالات متحده ایجاد شده بود برای پشتیبانی و کمک به رهنان و داره ماران است، بریتانوی ها فلم ضد شوروی که وحشیگری های سربازان شوروی را به نمایش می گذارد در دهلی به نمایش عام گذاشته اند و خدمات ویژه ایران در حملات ضد دولت افغانستان در هرات دست دارند. بره معصوم سوسیالیست نخجیر را دریده بود و تهمت آنرا بر گرگ خونخوار امپریالیست می بست!! [چهار سطر کشیده شده است]

^۱ آندری ساخاروف (Andrei Sakharov) (۱۹۲۱-۱۹۸۹) فزیکدان برجسته، سه بار قهرمان کار سوسیالیستی، دگراندیش سیاسی و فعالیتگر حقوق بشر اتحاد شوروی. وی در سال ۱۹۷۵ به دریافت جایزه صلح نوبل نایل گردید اما مقامات اتحاد شوروی برایش اجازه برون رفتن از کشور برای اخذ جایزه اش را ندادند. در سال ۱۹۸۰ کمتر از یکماه پس از اشغال افغانستان توسط قوای اتحاد شوروی بخاطر مخالفت و اعتراض شدید به سیاست سوسیال امپریالیستی کشورش از طرف کریملین نشینان به تبعید داخلی به شهر ممنوعه گورکی (نیزنی نووگوراد کنونی) محکوم شد. - برگرداننده

شمار کارمندان سفارتخانه های مختلف در کابل بدین قرار بود: سفارت امریکا ۱۹ نفر، جمهوری مردم چین ۱۱ نفر، جمهوری آلمان فدرال (آلمان غرب) ۲۰ نفر، فرانسه ۱۰ نفر، و بریتانیا ۱۲ نفر. سفارت بریتانیا دو نفر کارمند در شفاخانه چشم نور داشت و دو نفر دیگر آن با یک سازمان بین المللی مشغول کار بودند.

در برابر ارقام فوق ارقام از جانب شوروی چنین بود: ۲۵۰ نفر کارمند در سفارت، ۱۰۳ نفر در دفتر تجارتي، ۳۵۰۴ نفر کارمند و ۱۶۰۰ نفر ترجمان در تشکیلات مشاورین و ۱۴۷۶ نفر کارشناس ملکی و ترجمان در دواير حكومتی و بخش های بازرگانی. اضافه از ۱۰۰۰۰۰ نفر مشغول خدمت در قطعات محدود نظامی را نباید درین محاسبه فراموش کرد.

کریملین در برابر دست اندازی اش در افغانستان انتظار واکنش شدید و قاطع از جانب کشورهای غربی را داشت تا حدی که اندروپوف به کی جی بی گوشزد کرد تا مترصد آمادگی های جنگی امریکا باشد، اما گزارش های امید بخش «حائز اهمیت خاص» دال بر فقدان وحدت نظر و عمل در صفوف کشورهای غربی در قبال مسئله افغانستان از همان آغاز، یعنی از جنوری ۱۹۸۰ به کی جی بی می رسید. معلومات مفصل پیرامون نتایج سفر ایگون بار^۲ وزیر امور فدرالی در حکومت حزب سوسیال دموکرات آلمان که به خواهش شمید^۳ صدراعظم آن کشور به ایالات متحده امریکا انجام داد از طریق یک منبع جاسوسی شوروی که در حلقات دولتی جمهوری فدرالی آلمان نصب شده بود بدست آمد. جاسوس مذکور گزارش داد که در طی ده روزی که ایگون بار در ایالات متحده سپری کرد با بنسون^۴، برژنسکی^۵، کیسنجر^۶، شولمان^۷ و حقوقدان پیتر ادلمان^۸ که ندیم و رازدار سناتور ادوارد کنیدی^۹ بود دیدار کرد و از اندیشه های ایشان پیرامون وضعیت جدید در شرق میانه آگاهی یافت. بار از سفر کوتاه خود به ایالات متحده امریکا با این انتباه برگشت که به دلیل «از دست رفتن اعتماد بصورت عام بر نیروی سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا» سه عامل از نظر امریکاییان بر وضعیت چیره بود: سرگشتگی، آرزوی رهبری نیرومند و ترس فزاینده از جنگ با اتحاد شوروی. ناتوانی حکومت امریکا در نشان دادن واکنش معقول و قاطع در برابر حوادث افغانستان و ایران این احساس را در ضمیر امریکایی ها تقویه می کرد. بار از گفتگوهایی که در امریکا انجام داد به این نتیجه رسید که کنش های حکومت امریکا عمدتاً از «آرزوی بیمارگونه کارتر برای انتخاب شدن بار دوم در انتخابات ریاست جمهوری» و پی آمد عدم موجودیت دیدی واحد در مورد معضلات کلیدی جهان معاصر میان مشاورین رئیس جمهور آب می خورد.

بار برژنسکی را خیلی از خود راضی یافت. برژنسکی به بار لافید که «من و جیمی کار سترگی انجام داده ایم». به گفته بار مشاور امنیت ملی امریکا از نشئه «اثر نابیوسان یورش بر اتحاد شوروی» سرمست بود. برای اینکه چنین نشئه بی را از سرش بپراند، بار برایش خاطر نشان ساخت که در بُن شایع بود که اتحاد شوروی حین تصمیم گیری یورش بر افغانستان واکنش احتمالی کشورهای غربی را در محاسبه خود گرفته و برای آن خوب آمادگی داشت. برژنسکی با سرخوردگی پرسید «پس ما نتوانستیم روس های را غافلگیر کنیم؟» وی پس از مکث کوتاهی پیرامون مناسبات آتیه میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا لب به سخن گشود و اظهار عقیده کرد که درگیری افغانستان در ظرف پنج تا شش ماه فروکش خواهد کرد. «در آن زمان ایالات متحده برای توافق روی یک نظام بیطرف در آن کشور آماده خواهد بود، البته اگر شوروی ها در آن کشور پایگاه ایجاد نکرده باشند.»

^۲ Egon Bahr، کارشناس برجسته سیاست خارجی و کنترل تسلیحات مربوط به حزب سوسیال دموکرات آلمان و عضو پارلمان آلمان غربی. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۳ Helmut Schmidt، صدراعظم آلمان فدرال میان سال های ۱۹۷۴-۱۹۸۲ (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۴ شناخته نشد - برگرداننده

^۵ Zbigniew Brzezinski، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور جیمی کارتر رئیس جمهور وقت ایالات متحده امریکا (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۶ Henry A. Kissinger، مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه در حکومت ریچارد نکسن و جرال فورد رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۷ Marshall Shulman، مشاور خاص وزیر خارجه امریکا در امور شوروی (۱۹۷۷-۸۰) با رتبه سفیر (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۸ Peter Edelman، اداره کننده کارزار مبارزاتی سناتور ادوارد کنیدی برای احزاب مقام ریاست جمهوری امریکا (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۹ Edward Kennedy، برادر کوچک جان کنیدی رئیس جمهور فقید امریکا و سناتور قدرتمند و دیرین سال از حزب دموکرات در مجلس سنای امریکا - برگرداننده

برژنسکی برین باور بود که چنانچه تا آن زمان ستیزه آمریکا با ایران حل شود ممکن خواهد بود مذاکرات روی معاهده سالت ۱۰۲ و سایر معاهدات را از سر گرفت، ولی تأکید کرد که این کار تنها وقتی ممکن خواهد بود که تدابیری برای تقویة جهان غرب اتخاذ شده باشد. برژنسکی مثال چنین تدابیر را پشتیبانی جدی مادی و معنوی متحدین آمریکا در ناتو از پاکستان و ترکیه خواند. مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد تا لندن مسئولیت پاکستان و بُن مسئولیت ترکیه را بعهده گیرند.

در ارتباط به سیاست آمریکا در قبال اتحاد شوروی، برژنسکی اظهار داشت که «تاخت و تاز بر اتحاد شوروی ادامه خواهد یافت و غرب در هر مقطع حالی خواهد ساخت که نه نسیان می شناسد و نه عملی را بی کيفر خواهد گذاشت.» در رابطه با مناسبات ایالات متحده با جمهوری مردم چین، برژنسکی بیان داشت که «چین دانه فعالی در شترنج سیاست خارجی آمریکا خواهد بود.» وی اظهار داشت «ما به چین همه چیز خواهیم داد جز اسلحه.» بار با جمع بندی موضع گیری برژنسکی، اعلام داشت که مقام مشاور رئیس جمهور آمریکا به برژنسکی «هیچ چیزی را نیاموخته است. وی همچون گذشته با شوروی کینه می ورزد و از هر فرصتی برای آسیب رساندن به مناسبات میان ایالات متحده و اتحاد شوروی و به نمایش گذاشتن قدرت و نیروی آمریکا فرو گذاشت نمی کند.»

به پنداشت بار، وانس^{۱۱} طرفدار سیاستی متوازن و پیگیر مبتنی بر سازش های راستین و معقول بود و با وجود آنکه «رویارویی طولانی با اتحاد شوروی» را پیش بینی می کرد میخواست این رویارویی را در لفافه یک برنامه دقیقاً ریخته شده که باعث نگرانی متحدین آمریکا نگردد بپیچاند. وانس آشکارا به بار شکایت کرده بود که همه تلاش هایش برای «ریختن اندیشه های پراکنده برژنسکی در قالب یک سیاست خارجی همساز و پیگیر و حراست از آبرو و حیثیت وزارت خارجه آمریکا به سبب افکار فرصت طلبانه مشاور امنیت ملی نقش بر آب می گردند.»

وانس در مورد دشواری های مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا اظهار داشت که «ما به پیمان سالت ۲ نیاز داریم.» وی به بار اذعان داشت که مسترد سازی معاهده از مجلس سنا زائیده اندیشه او بود و گفت که «حتی پیش از وقایع افغانستان واضح شده بود که این معاهده از مجلس سنا نخواهد گذشت. پیمان مذکور در وضعیت کنونی در بست رد می شد و اینکار همگان را به نقطه آغاز بر می گرداند.» وانس اظهار عقیده کرد که «واپس کشی معاهده از بحث و شور مجلس سنا باعث نجات آن شد. تاریخ عمل مرا تایید خواهد کرد.»

پیرامون مناسبات با متحدین اروپایی ایالات متحده، وانس تأکید کرد که وی «علاقمندی خاص اروپایی ها را برای پاسداری پی آمدهای دیتانت^{۱۲} درک می کند و بنابراین درست نیست آنها را به سبب مخالفت خاموشانه شان با برخی برنامه های آمریکا انتقاد کرد.» روی مناسبات آمریکا با چین، وانس لازم می دانست اندازه معینی از حزم و احتیاط نشان داده شود چون درگیر شدن با بیجنگ در مسائل نظامی می توانست نهایت خطرناک باشد. بصورت عموم، برداشت بار این بود که وانس واقعاً نگران مناسبات متقابل با اتحاد شوروی و مسئله دیتانت نظامی بود.

بار دیدارهای خود با کسنجر را بصورت خاص دلچسپ یافته بود چون با این ملاقات ها با دیپلماسی شخصی وزیر خارجه پیشین آمریکا بیشتر آشنا شده و به این عقیده راسخ رسیده بود که کسنجر در برابر اداره فعلی آمریکا و بخصوص در برابر برژنسکی، این «منجی پولیندی الاصل آمریکا که از نظر بیولوژیک برایش مضمّن کننده بود» بازی نهانی و ظریفی را پیش می برد. بار در واقع فکر می کرد که کسنجر «حکومت را با شور هرچه بیشتر در ارتباط با تجاوز شوروی می ترساند و اداره آمریکا را بر آن می دارد تا دست به اقدامات ابلهانه و شتاب زده بی بزند که سپس خود آنها را در انظار عامه آمریکا بباد انتقاد بیرحمانه قرار دهد.» بدین گونه کسنجر این انتباه را تقویت می کرد که قصر سفید بدون وجود وی در پاسداری از منافع ملت آمریکا در مانده بود و کشور را از بحرانی به بحران دیگر می برد.

^{۱۱} مذاکرات سالت (SALT) که مخفف Strategic Arms Limitation Talks (مذاکرات تحدید سلاح ستر اتیژیک) می باشد در دو مرحله (سالت ۱ و سالت ۲) میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی برای کاهش خطر جنگ ذروی میان ابر قدرت ها راه افتاد. توفقات مرحله دوم مذاکرات (سالت ۲) به سبب تهاجم اتحاد شوروی به افغانستان از طرف مجلس سناى آمریکا تصویب نگردید و مذاکرات به حالت تعلیق قرار داده شدند. - برگرداننده

^{۱۱} Cyrus Vance، وزیر خارجه آمریکا از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^{۱۲} détente، سیاست تنش زدایی میان شرق و غرب (کشورهای عضو پیمان ناتو و پیمان وارسا) - برگرداننده

هنگام مباحثه روی روابط دوجانبه میان ایالات متحده آمریکا و چین، کسنجر رُخ زنی و کرشمه بازی وزیر دفاع آمریکا (هارولد براون) را با بیجنگ بر مبنای ضدیت مشترک با شوروی «کیش حماقت» توصیف کرد. به باور کسنجر، پیش کردن دانه چینی در عرصه شترنج نظامی روس ها را در حال زیچ قرار خواهد داد که یگانه راه برون رفت از آن برای روس ها حمله هسته بی بر چین بخاطر امحای قابلیت نظامی آن خواهد بود. کسنجر به ملاقات خود با براون هنگام برگشت وی از سفر به جمهوری مردم چین^{۱۳} اشاره کرد: «من از وی پرسیدم که آیا ما از نظر معنوی و نظامی آمادگی داریم در صورتیکه روس ها اقدامی کنند از چینی ها دفاع کنیم؟ براون^{۱۴} جواب داد که در چنین حالتی ایالات متحده مجبور خواهد بود چین را به تقدیر و سرنوشت آن رها کند. این کار به حیثیت و اعتبار امریکا صدمه جبران ناپذیر وارد خواهد ساخت.»

در گفتگوهایی که کسنجر با بار داشت چندین مرتبه برین نکته تأکید کرد که «رقابت با اتحاد شوروی که برژنسکی واله و شیدای آنست فقط وقتی ممکن بوده می تواند که همکاری وجود داشته باشد.» کسنجر بر آن بود که فراموش کردن این نکته بمعنی پایان سیاست های معقول و پایان صلح خواهد بود.

نظریات شولمن که به گفته بار تحلیل درخشانی از عوامل سببی حوادث افغانستان بدست می داد به این موضعگیری نزدیک بود. شولمن را عقیده بر آن بود که در گام اول اداره کارتر ملامت بود چون اتحاد شوروی را در تنگنا قرار داده فضای جنبیدن را از آن گرفته بود، بنابراین تصمیمی که روس ها گرفته بودند یگانه تصمیم ممکن بود.

بار برداشت هایش از دیدار با امریکایی ها را جمع بندی نموده اظهار داشت که «کارتر با ناپیگری ها و تصامیم خدشه دارش که بصورت آنی و بدون سنجش بخاطر حفظ نام و اعتبار خود اتخاذ می کند بی درمان و چاره ناپذیر است» و باور داشت که همکاری با اداره آمریکا بگونه فزاینده دشوار و دشوارتر خواهد شد. بدین دلیل وی اظهار داشت که لازمست از نیروهای مخالف کارتر در ایالات متحده پشتیبانی کرد، که منظورش در گام اول مدعی کاخ نشینی قصر سفید یعنی سناتور ادوارد کینیدی بود. این سناتور وقتی دریافت که بار در ایالات متحده حضور دارد برایش تلفون کرد تا تأسف خود بخاطر عدم توانایی دیدار با وی را به سبب یک سفر انتخاباتی به ایالت آیوا ابراز کند و گفت که در فرصتی پسینتر به اروپا پرواز کرده و شخصاً با وی ملاقات خواهد کرد. سناتور کینیدی ندیم رازدار خود پیتر ادلمن را نزد بار فرستاد. ادلمن در گفتگوهایش با بار صریح و بی پرده سخن می گفت و به دستور سناتور کینیدی تحلیل و ارزیابی سناتور از اوضاع را برایش داد. به باور سناتور کینیدی مشخصه درازمدت مشاجره ایران اقبال کارتر برای انتخاب شدن مجدد به مقام ریاست جمهوری آمریکا را افزایش می بخشید چون به وی امکان می داد قاطع بودن و تزلزل ناپذیر بودن خود را نشان دهد. حوادث افغانستان که منازعه ایران را زیر شعاع قرار داده بود نیز به نفع کارتر بود. اما کینیدی متیقن بود که علاقمندی همگانی مردم آمریکا به مسئله افغانستان که مقامات امریکایی آنرا دامن می زدند بزودی فرونشسته و محراق توجه به ایران بر خواهد گشت. این پرسش که «جنجال و مناقشه را با پنهان ساختن شاه در امریکا کی آغاز کرد؟»^{۱۵} طرح شدنی و جواب به آن برای اداره برسر اقتدار ناراحت کننده و سرافکندگی آور بود. ادلمن اظهار داشت که چنین پیشامدی به کینیدی اجازه

^{۱۳} هارولد براون وزیر دفاع آمریکا از تاریخ ۵-۹ جنوری ۱۹۸۰ از جمهوری مردم چین بازدید کرده بود. (یادداشت نویسنده)

^{۱۴} در اصل بجای «براون» «کسنجر» آمده که باید اشتباه باشد - برگرداننده

^{۱۵} منظور از «جنجال و مناقشه» و «پنهان ساختن شاه» ماجرایست که از سی سال تا کنون روابط آمریکا و ایران را تیره نگه داشته است. شاه ایران چند روز پیش از برگشت خمینی از فرانسه به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی در فیروزی ۱۹۷۹ از تهران فرار کرد و آواره گردید. وی بخاطر پناهندگی سیاسی و نیز چون از بیماری سرطان رنج می برد بار بار از حکومت آمریکا تقاضا کرد تا اجازه دهد جهت درمان به یکی از شفاخانه های مشهور آمریکا برود. حکومت آمریکا که از احساسات ضد امریکایی مردم ایران بخاطر نقش سی ای در سرنگونی رژیم مترقی داکتر محمد مصدق در سال ۱۹۵۳، اعاده سلطنت سرکوب گر پهلوی و حمایت دوامدار از آن نیک آگاه بود ظاهراً شاه را به آمریکا راه نداد ولی خاموشانه و در پنهان در اکتوبر ۱۹۷۹ به وی اجازه ورود به آمریکا و بستری شدن در بیمارستان معروف «مایوکلینیک» نیویارک را داد. وقتی این خبر به بیرون درز کرد ایرانی ها آنرا توطئه جدیدی همانند توطئه سال ۱۹۵۳ برای سرنگونی رژیم نوینباد جمهوری اسلامی درک کردند. در نومبر ۱۹۷۹ گروهی زیر نام «دانشجویان پیرو خط امام» با بهره مندی از پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی به محوطه سفارت آمریکا هجوم برده ۵۳ تن دیپلمات امریکایی و کارکنان سفارت را گروگان گرفتند و خواهان اخراج شاه از آمریکا و سپرده شدن او جهت محاکمه به حکومت اسلامی ایران شدند. این گروگان گیری مدت ۴۴۴ روز ادامه کرد و پس از شکست کارتر در انتخابات سال ۱۹۸۰ ریاست جمهوری آمریکا و فقط چند ساعت بعد از حلف وفاداری رونالد ریگن بمتابه رئیس جمهور جدید امریکا از حزب جمهوری خواه در ۲۰ جنوری سال ۱۹۸۱ با رهایی گروگانان از جانب حکومت ایران پایان یافت. - برگرداننده

خواهد داد تا کارزار انتخاباتی اش را زیر شعار «نورمال سازی روابط با اتحاد شوروی و سایر کشورها بخاطر تأمین صلح» پیش ببرد. طوس برنده کنیدی درین قمار بگونه بی نقش بازی کردن وی در حل معضله گروگانان امریکایی در تهران بود. ادلمان به صراحت به بار حالی کرد که «اگر ماسکو درین جهت با کنیدی کمک کند، می تواند بر انکشاف بسیار مثبت در مناسبات شوروی با امریکا حساب کند.»

جان تنی^{۱۶} یک سیاستمدار امریکایی بروز ۵ مارچ به نمایندگی از سناتور ادوارد کنیدی در ماسکو حضور بهم رسانید تا اندیشه های کنیدی را در مورد راه های کاهش تنشجات بین المللی به رهبری شوروی انتقال دهد. به عقیده سناتور کنیدی بخش مربوط به سیاست خارجی در بیانیه برژنف به رأی دهندگان در ناحیه باومن^{۱۷} استواری و پیگیری اتحاد شوروی در ارتباط با سیاست دینانت (تنش زدایی) را نشان می داد و بنیاد واقعی حل و فصل مسئله افغانستان را پیش کشیده بود. در عین زمان اداره کارتر کوشش می کرد تا محتوی صلح جویانه پیشنهادات برژنف را تحریف نماید. قصر سفید با علم کردن «تهدید نظامی شوروی» و جاه طلبی شوروی برای دسترسی نظامی به خلیج فارس ترهات و چرندیاتی چند را به خورد اذهان عامه می داد. فضای تنش و کینه توزی در قبال همه مردمان شوروی از طرف کارتر، برژنسکی، پنتاگون^{۱۸} و مجتمع صنعتی نظامی دامن زده می شد. کاندیدان ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه همه هیستری شوروی ستیزی را شلاق می زدند و پیشگویی می کردند که «خون افغانها دامن روسها را همچنان خواهد گرفت که خون ویتنامیها دامن امریکاییها را گرفت و جایگاه اتحاد شوروی، خصوصاً در کشورهای اسلامی، پایین خواهد آمد.»

اما بودند گروه های دیگری در ایالات متحده که در درون اداره کارتر نماینده داشتند (وانس، کریستوفر^{۱۹} و دیگران) و سیاست های کارتر را در منافات با منافع ایالات متحده می دیدند و برآن بودند که می شد تنش را از راه گفتگو و مذاکره با برژنف کاهش داد. کنیدی با در نظر داشت همه این نکات به این نتیجه رسیده بود که با وجود پی آمدهای منفی برای شخص خودش، وی وظیفه داشت تا خود دست به کار شده اداره کارتر را برای اقدام جهت کاهش تنش و تشنج مجبور سازد. کنیدی باید بی درنگ عمل می کرد چون سستی از جانب نیروهای صلحجوی امریکا تغییر مشی و مسیر سیاسی را برای کارتر، در صورت انتخاب مجددش به سمت رئیس جمهور امریکا، ناممکن می ساخت، زیرا در آن صورت مجبور می بود تا به سیاست وخیم سازی مناسبات امریکا با شوروی ادامه دهد. در صورت پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات اوضاع صرف می توانست بدتر گردد. کنیدی لازم می دانست میان ۱۶ و ۱۸ مارچ بیانیه بی روی حوادث افغانستان ایراد نماید. وی قصد داشت از کاخ سفید بخواهد تا ضمانت دهد که در امور داخلی افغانستان مداخله ننموده همه امکانات داست داشته خود را جهت حصول اطمینان از توقف مداخله چین و پاکستان در این کشور بکار خواهد بست. وی می خواست از حکومت ببرک کارمل بخواهد تا با اتخاذ سیاست عدم انسلاک اعلام دارد که به هیچ پیمان نظامی شامل نخواهد شد و حضور قوای خارجی را در افغانستان اجازه نخواهد داد. کنیدی همچنین قصد داشت کارمل را تشویق کند تا حکومت افغانستان را بیشتر دموکراتیزه کرده اعضای سایر احزاب و نمایندگان روحانیون را در حکومت جا دهد. کنیدی می خواست بر حکومت ایالات متحده و اتحاد شوروی ندا دهد تا مذاکرات را روی تدابیر مشخص تضمین عدم مداخله در امور داخلی افغانستان آغاز نمایند و چگونگی چنین تضمینات را که برای هر دو جانب قابل قبول باشد با سهمگیری ملل متحد پیشنهاد کنند. وی بر آن بود تا در صورت دلگرم کننده بودن نتایج مذاکرات شوروی و امریکا از حکومت اتحاد شوروی بخواهد تا در موافقت با مقامات افغانی حسن نیت خود را با بیرون کشیدن ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ سرباز از افغانستان نشان دهد و تاریخی را برای بیرون کشیدن سربازان باقیمانده در طی سالهای ۱۹۸۱-۸۲ تعیین کند. کنیدی فکر می کرد که برخی ازین پیشنهادات برای حکومت شوروی قابل قبول خواهند بود و اگر برژنف تأیید خود را ازین مواضع ابراز می داشت احساس سپاسگزاری می کرد چون چنین تأییدی نیروهای صلحجو را قوت قلب می بخشید.

^{۱۶} John V. Tunney

^{۱۷} حوزه انتخاباتی نزدیک ماسکو برای شورای عالی اتحاد شوروی - برگرداننده

^{۱۸} یعنی وزارت دفاع امریکا - برگرداننده

^{۱۹} Warren Christopher معاون وزیر خارجه (۱۹۷۷-۱۹۸۱) و وزیر خارجه امریکا (۱۹۹۳-۱۹۹۷) (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

تنی بر تفاوت اساسی میان پیشنهاد کنیدی و حکومت امریکا تأکید می کرد. در واقع قصر سفید بیرون کشی سربازان شوروی را افغانستان می خواست، به عبارۀ دیگر مهر تأییدی می خواست بر اینکه آنها بگونه غیر قانونی به افغانستان فرستاده شده بودند، در حالیکه کنیدی بدون اینکه به وجه حقوقی حضور سربازان شوروی تماس گیرد بر آن بود که بیرون کشیدن سپاهیان شوروی با اقداماتی در پیوند گذاشته شود که عدم مداخله از بیرون را در امور داخلی افغانستان تضمین نماید.

کی جی بی معلومات فوق را یکجا با تبصره های خود به مقامات عالیتر گزارش داد. «گرچه همه پیشنهادات کنیدی را نمی توان قابل قبول دانست، به سگالش و کنکاش می ارزند چون با مشی اتخاذ شده توسط کارتر و سیاستمداران دیگر امریکایی در تناقض اند.»

اظهارات محرم توماس واتسن^{۲۰} سفیر امریکا در ماسکو، سناتور رابرت برد^{۲۱} و سناتور الن کرنستون^{۲۲} بروز ۱۴ می فاش ساخته شدند. آنها اظهار داشته بودند که در مذاکرات آتیه در وینا امریکایی ها قصد داشتند تا اضافه بر مسئله افغانستان گستره بی از مسائل در ارتباط با مناسبات شوروی و امریکا مانند مسائل امنیت اروپا، تجارت و همکاری اقتصادی بشمول فروش غله به اتحاد شوروی را به بحث کشند. بدین گونه حدت مسئله افغانستان کمتر چشمگیر می شد.

صداهایی نیز وجود داشت که انتقاد شدید از تهاجم شوروی را خفه می ساختند. بگونه مثال بروز ۱۲ جولای ۱۹۸۰ نشریه «وستنیک»^{۲۳} فرانسوی مقاله بی را از قلم شوآنمان^{۲۴} رهبر CERES^{۲۵} به نشر سپرد که احتجاجات کی جی بی در رد ادعا های تهدید نظامی شوروی را بکار برده، این اندیشه را که تنش و تنشج روی موضوع افغانستان گناه اتحاد شوروی بود در شک قرار می داد و تلاش های امریکا برای ساختن سلاح نیوترونی را افشا می ساخت. رئیس شورای خدمات اجتماعی اسلامی (ایجنت «روگوف»^{۲۶}) نیز بیانیه بی با اهداف مشابه ایراد کرد.

در ماه جولای یک گردهمایی بین المللی همبستگی با مردم افغانستان دایر گردید. پوستر هایی که اعلام می داشتند «سی ای ای آسیا را به قاره بی از رهبران کامیکازی^{۲۷} مبدل می سازد» از ماسکو فرستاده شده و بر وزارت خانه ها و ساختمان هایی که هیئت های نمایندگی بود و باش داشتند و باهم دیدار می کردند آویخته شدند. اقامتگاه کی جی بی پوستر ها را به سفارتخانه ها و مقر های نمایندگی ها بشمول سفارتخانه اتحاد شوروی ارسال داشت، اما افغانها پیام پوستر ها را درک نمی کردند و می پرسیدند «چرا در بین کشته شدگان تصویر تزه کی نیز دیده می شود؟ وی کمونیست و بنیادگذار ح.د.خ.ا. است»

غربی ها از هر نشانه ضعیف حل سیاسی معضله افغانستان دلگرم می شدند. ارباب قدرت شوروی اکثراً خورده ریزه های کژ آگاهی و معلومات نادرست، بگونه مثال در مورد بیرون کشی شماری از سربازان از افغانستان را برون می دادند. ژیسکار دیستن^{۲۸} به سادگی فریب این حقه را خورده گفت که «این یک حرکت نهایت هوشمندانه و

^{۲۰} Thomas J. Watson رئیس شرکت IBM و سفیر امریکا در اتحاد شوروی (یادداشت ویرایشگر)

^{۲۱} Senator Robert Byrd سناتور ایالت ورجینیای غربی از حزب دموکرات از ۱۹۵۸ به بعد (یادداشت ویرایشگر)

^{۲۲} Senator Alan Cranston سناتور ایالت کالیفرنیا از حزب دموکرات، ۱۹۶۸-۱۹۹۳ (یادداشت ویرایشگر)

^{۲۳} Vestnik ظاهرآ نام شفری برای روزنامه لوموند *Le Monde* فرانسوی است. (یادداشت ویرایشگر)

^{۲۴} Jean-Pierre Chevènement سیاستمدار چپگرا، عضو کابینه و کاندید ریاست جمهوری از حزب سوسیالیست فرانسه - برگرداننده

^{۲۵} CERES مخفف Centre d'études, de recherches et d'éducation socialiste (مرکز مطالعات، پژوهش و آموزش سوسیالیستی) - برگرداننده

^{۲۶} نه این شورا و نه رئیس آن شناخته نشدند. به احتمال قریب به یقین شورایی بود در عرصه بین المللی ساخته و پرداخته و وظیفه خوار

روس ها، همانند «شورای علما و روحانیون» حکومت دست نشانده روس ها در افغانستان به ریاست سعید افغانی که مجتمع خود

فروخته بی بود از روحانیونی چون مولوی عبدالولی حجت، مولوی جمیل ظریفی و دیگران که «چون بخلوت می رسند آن کار دیگر

می کنند». - برگرداننده

^{۲۷} kamikaze به پیلوت های جاپانی می گفتند که در دوسال اخیر جنگ جهانی دوم برای انجام حملات انتحاری و فرجامین پرواز بدون

برگشت آموزش دیده و فرستاده می شدند. آنها در زمانی که هنوز تکنولوژی طیارات بدون خلبان و راکت های کروز بوجود نیامده بود

با قربان کردن حیات خود هواپیماهای خود را به راکت های رهبری شده مبدل ساخته به عرصه های کشتی های متحدین می زدند و به

عقیده خود دین نهایی به میهن خویش را ادا کرده به افتخار جاوید دست می یافتند. حدوداً ۱۱۰۰۰ چنین پرواز در سالهای ۱۹۴۴-۴۵

انجام یافت. منظور از «رهبران کامیکازی» رهبرانی است که گویا به فرمان سی ای ای خود و کشور خود را تباہ و برباد می سازند.

- برگرداننده

^{۲۸} Valéry Giscard d'Estaing رئیس جمهور فرانسه (۱۹۷۴-۱۹۸۱)

دوراندیشانه است که نشان می دهد رهبری شوروی به حل سیاسی معضله افغانستان علاقمند است.» دیستن ازینکه اولین رهبر غربی بود که برژنف ازین تصمیم به او اطلاع می داد بخود می بالید. حکومت شمید صدراعظم آلمان نیز با شور و شوق مشابهی فریب این نیرنگ را خورد. برونو کرایسکی^{۲۹} صدراعظم اتریش به این پندار شد که این اقدام (بیرون کشی شماری از سربازان اتحاد شوروی از افغانستان) نشان می داد که اتحاد شوروی آماده بود «فضای پیش از بوجود آمدن معضله افغانستان» را در مناسبات شرق و غرب بمثابة وزنه پی در برابر مشی شتاب زده و سنجیده نشده کارتر در امور بین المللی برقرار سازد.

چون دل بخواهد وقاحت نیز دلپسند آید. این اولین باری نبود که ساده لوحی فریب نیرنگی را می خورد. گویی غربیان سرانجام به دغا پی بردند چون حینی که گورباچف در سال ۱۹۸۶ وعده سپرد که شش غند از سربازان شوروی را پیش از موعد تعیین شده از افغانستان بیرون می کشد کسی زیاد ابراز شادمانی نکرد.

پایان